

تحلیل استانداردهای FATF بر مبنای دیدگاه رویکرد نهادگرایی پیرامون جایگاه و کارکرد حقوق نرم در همکاری‌های بین‌المللی

صادق بشیره (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

sadeghbashire75@gmail.com

ساوالان محمدزاده

دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

savalan.mohamadzadeh75@gmail.com

مرتضی پورعزیز

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران.

morteza.pouraziz2020@gmail.com

چکیده

نهادگرایی از جمله رویکردهای مولود روابط بین‌الملل است که محصول مناظره با واقع‌گرایان به عنوان نافیان حقوق بین‌الملل و در عین حال رویگردانی از کارگردگرایان و آرمان آن‌ها برای نیل به همگرایی در روابط بین‌الملل است. این نظریه ضمن مفروض پنداشتن یافته‌های واقع‌گرایان پیرامون آنارشی حاکم بر روابط بین‌الملل و منعت‌طلبی دولت‌ها به عنوان بازیگرانی عقلایی و منطقی، به دنبال اثبات امکان همکاری میان بازیگران به ویژه دولت‌ها بوده و این مسئله را تحلیل می‌کند که نهادها چگونه تشکیل گردیده و حقوق بین‌الملل به واسطه آن‌ها چگونه رعایت می‌شود. رویکردها و پژوهش‌های متاخر بر مبنای نهادگرایی که قوام بخشیدن به این نظریه را از طرق مختلف دنبال می‌کنند، به رغم پذیرش منابع و تابعان سنتی حقوق بین‌الملل و اذعان به حفظ آن‌ها، توجه بسیار ویژه‌ای به حقوق نرم به عنوان حقوق مطلوب در راستای نهادینه‌سازی حقوق بین‌الملل دارند. اهمیت خاص نهادگرایی برای حقوق نرم به طوری که حقوق بین‌الملل را توأمان فرایندی حقوقی و سیاسی در نظر دارد، قادر خواهد بود تا منابع و تابعان حقوق بین‌الملل و حتی مبنای الزام حقوق بین‌الملل را دستخوش تغییر نماید؛ به طوری که ممکن است بتوان بر این مبنای از حقوقی غیرالزام‌آور اما نهادینه و تا حد زیادی مجری سخن به میان آورد. این نقطه اهمیت این نظریه برای حقوق بین‌الملل است که می‌تواند بر نظم حقوقی بین‌المللی اثر بگذارد و لذا نهادگرایی می‌بایست فراتر از تحلیل صرف امکان همکاری در روابط بین‌الملل در نظر گرفته شود که سابق بر تولد این نظریه نیز در حقوق بین‌الملل معمول بوده؛ چرا که تاریخ دانش حقوق بین‌الملل مملو از نهادهاست. گروه ویژه اقدام مالی (FATF) از جمله نهادهایی است که مطالعه آن می‌تواند یافته فوق را مورد تایید قرار دهد. این مطالعه بر اساس روش توصیفی و تحلیلی انجام شده است.

کلمات کلیدی: نهاد، نهادگرایی، گروه ویژه اقدام مالی، استانداردهای FATF، حقوق نرم.

Analysis of FATF standards based on the institutionalism approach regarding the position and function of soft law in international cooperation

Abstract

Institutionalism is one of the approaches that emerged from international relations, which is the product of the debate with realists as the deniers of international law, and at the same time, a rejection of the functionalists and their ideal of achieving convergence in international relations. This theory, while assuming the findings of realists regarding the anarchy prevailing in international relations and the self-interest of states as rational and logical actors, seeks to prove the possibility of cooperation between actors, especially states, and analyzes the issue of how institutions are formed and how international law is observed through them. Recent approaches and research based on institutionalism, which pursue the consolidation of this theory in various ways, despite accepting the traditional sources and subjects of international law and acknowledging their preservation, pay very special attention to soft law as the desired law in line with the institutionalization of international law. The special importance of institutionalism for soft law, as it considers international law as both a legal and political process, will be able to change the sources and subjects of international law and even the basis for the obligation of international law; so that it may be possible to speak of non-binding but institutionalized and largely enforceable laws on this basis. This is the point of importance of this theory for international law that can affect the international legal order, and therefore institutionalism should be considered beyond the mere analysis of the possibility of cooperation in international relations, which was common in international law before the birth of this theory; because the history of international law is full of institutions. The Financial Action Task Force is among the institutions whose study can confirm the above finding. This study was conducted based on a descriptive and analytical method.

Keywords: institution, institutionalism, Financial Action Task Force, FATF standards, soft law.

نهادگرایی^۱ به عنوان رویکردی مولود روابط بین‌الملل، در پاسخ به رئالیست‌هایی چون مورگنتا (Hans Morgenthau) و کنت والتز (Kenneth Waltz) که اساساً امکان ایجاد یک نظم بین‌المللی^۲ را منتفی می‌دانستند و همین‌طور در جدایی از مسیر کارکردگرایان و نوکارکردگرایی^۳ چون ارنس هاس (Ernst B. Haas) که دیدگاه‌های آرمانی داشتند، از سال ۱۹۸۰ به این سو مطرح گشته است.^۴ عمده نظریات در این باره حول محور همکاری^۵ شکل گرفته است و اندیشمندان در تلاش هستند اثبات کنند که امکان شکل‌گیری همکاری حتی بر مبنای گزاره‌های رئالیستی وجود دارد. آن‌ها در این راستا از نظریاتی چون رژیم‌ها^۶، طراحی منطقی^۷، بازی‌ها^۸، وابستگی متقابل^۹ و خیر مشترک^{۱۰} وام گرفته‌اند.^{۱۱} از نظر کیوهن (Keohane) تطبیق متقابل و هماهنگ سیاست‌های کشورها که منافع مشترکی را به همراه داشته باشد، همکاری است.^{۱۲}

چنانچه در سازکار FATF یا گروه ویژه اقدام مالی^{۱۳} به عنوان یک نهاد بین‌المللی توجه شود، مصداق بارز پیاده‌سازی رویکرد نهادگرایی در عالم حقوق و روابط بین‌الملل بوده و از این منظر به خوبی قابل تحلیل و بررسی است. توضیح آن که با التفات گروه هفت (G7)^{۱۴} به چالش‌های جهانی در مورد قاچاق مواد مخدر، پولشویی و آثار مخرب آن، در اجلاس سال ۱۹۸۸ تورنتو این گروه بر مقابله با پولشویی تأکید نمود و سپس در اجلاس آرژانتین سال ۱۹۸۹ توجه سایر کشورها را به این مهم جلب کرد تا آن‌ها تا با این گروه در موارد پیش‌گفته همکاری کنند. نهایتاً در اجلاس سالیانه پانزدهم در پاریس که ژوئن سال ۱۹۸۹ برگزار شد، این کشورها به تشکیل نهادی تحت عنوان گروه ویژه اقدام مالی برای مبارزه با پولشویی موافقت نمودند.^{۱۵}

در حالی که بدواً بنا بود FATF استانداردهایی را پیرامون مبارزه با پولشویی وضع کند و مدت فعالیتش نیز محدود بود اما نظر به عملکرد شاخص این نهاد و جایگاه ویژه‌ای که در سطح بین‌المللی پیدا کرد، و همچنین با توجه به ضرورت و پیدایش

^۱ - institutionalism

^۲ - international order

^۳ - functionalism and new-functionalism

^۴ - سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، «نظریه نهادگرایی نتولیبرال و همکاری‌های بین‌المللی»، سیاست خارجی، ۱۲، ۳ (۱۳۷۷)، ۳ و ۴.

^۵ - cooperation

^۶ - regimes

^۷ - rational design

^۸ - games theories

^۹ - interdependence

^{۱۰} - common interest

^{۱۱} - Kenneth W. Abbott, "Enriching rational choice institutionalism for the study of international law", *University of St. Gallen law school*, 2007, 1. <http://ssrn.com/abstract=1000187>

^{۱۲} - Robert O. Keohane, *After Hegemony: Cooperation and Discord in the World Political Economy*, (Princeton, Princeton University Press, 1984), 10.

^{۱۳} - Financial Action Task Force

^{۱۴} - کشورهای صنعتی جهان موسوم به گروه هفت (G7) از سال ۱۹۷۵ در پی بحران‌های اقتصادی گردهمایی‌هایی را به طور سالانه آغاز کرده بودند. این هفت کشور عبارت‌اند از فرانسه، انگلیس، آلمان، ایتالیا، ژاپن، آمریکا و کانادا که با یکسال تأخیر به این گروه پیوسته است. ناگفته نماند که در برهه‌ای از تاریخ روسیه نیز به این گروه پیوسته بود و لذا از این گروه به عنوان گروه هشت نیز یاد شده است. (رضا موسی‌زاده، سازمان‌های بین‌المللی، (تهران، انتشارات میزان، چاپ نوزدهم، زمستان ۱۳۹۱) ۳۵۷).

^{۱۵} - اصغر عباسی، «معرفی گروه ضربت اقدام مالی علیه پولشویی»، پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی، ۲، ۵ (۱۳۸۶)، ۱۴۸.

معضلات نوین و نگران‌کننده دیگر برای جامعه جهانی، مدت ماموریت و چارچوب فعالیت FATF اضافه شد.^{۱۶} به طوری که متاثر از حملات یازده سپتامبر ۲۰۰۱، FATF مبارزه با تامین مالی تروریسم را نیز در دستور کار خود قرار داد و علاوه بر توصیه‌های چهل‌گانه‌ای که سابقاً در زمینه مبارزه با پولشویی مقرر کرده بود،^{۱۷} ۹ توصیه دیگر را نیز در این باره مصوب نمود. نهایتاً پس از چند مرتبه ارزیابی و اصلاح و همین‌طور با مد نظر قرار دادن جرائمی چون قاچاق مواد مخدر و اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی، در ویرایش نهایی سال ۲۰۱۲،^{۱۸} چهل توصیه از FATF منتشر شد که امروزه به عنوان استانداردهای مبارزه با پولشویی و تامین مالی تروریسم مطرح است.^{۱۹}

FATF ظرف مدت کوتاهی توانست بیش از ۱۹۰ کشور را به همکاری با خود در اجرای استانداردهای مذکور همراه کند^{۲۰} و تا بدان‌جا پیش رفت که حتی شورای امنیت سازمان ملل متحد پیروی از توصیه‌های FATF را الزام نمود.^{۲۱} این در حالی است که استانداردهای FATF ماهیت توصیه‌ای و غیرالزام‌آور داشته و به عبارت دیگر، می‌توان آن‌ها را حقوق نرم^{۲۲} به حساب آورد^{۲۳} که در ادامه پیرامون آن شرح داده خواهد شد. به این ترتیب، دستاورد FATF در ترویج و تثبیت استانداردهایش و مسیری که این نهاد بین‌المللی در راستای تحقق این هدف طی نموده، بسیار پراهمیت است و حتی می‌تواند الگویی را برای نیل به همکاری‌های بین‌المللی در دیگر موضوعات ارائه دهد. این مقاله با تحلیل استانداردهای FATF به عنوان حقوق نرم از منظر رویکرد نهادگرایی، نشان خواهد داد که این نهاد بین‌المللی چگونه توانسته است، همکاری‌های بین‌المللی را در موضوع ماموریت خود جلب نماید. بدین منظور، مقاله حاضر طی دو بخش ارائه خواهد شد. بخش نخست این مقاله در تلاش است جایگاه حقوق نرم را در همکاری‌های بین‌المللی شکل‌گرفته در چارچوب FATF تحلیل نماید و بخش دوم نیز کارکرد حقوق نرم را در این زمینه تبیین می‌کند.

¹⁶- FATF Mandates, "Approved by the Ministers and Representatives of the Financial Action Task Force", 12 April 2019 Washington, DC, available at: <https://www.fatf-gafi.org/content/dam/fatf-gafi/images/brochures-other/FATF-Ministerial-Declaration-Mandate.pdf.coredownload.pdf>

¹⁷- Laurel S. Terry, "An Introduction to the Financial Action Task Force and Its ۲۰۰۸ Lawyer Guidance", The Pennsylvania State University The Dickinson, School Of Law, *Legal Studies Research Paper*, ۳۹(۲۰۱۰), ۶. <http://ssrn.com/abstract=۱۶۸۰۵۵۵>

¹⁸- see <https://www.fatf-gafi.org/en/countries.html>

¹⁹- See UN, S/RES/۱۶۱۷(۲۰۰۵). <https://main.un.org/securitycouncil/en/s/res/1617-%282005%29>

^{۲۰}- حقوق نرم معادل عبارت انگلیسی Soft Law است که در برابر حقوق سخت یا Hard Law قرار می‌گیرد. این تقسیم‌بندی در واقع از حیث الزام‌آوری انجام شده است. لذا به اعتقاد برخی، اساساً از جایی که مراد از حقوق، مجموعه قواعد الزام‌آور است، اصطلاح حقوق نرم نوعی پارادوکس را تداعی می‌کند و صحیح به نظر نمی‌رسد. (ابراهیم بیگ‌زاده، حقوق بین‌الملل، جلد نخست، (تهران، انتشارات میزان، چاپ نخست، ۱۴۰۱)، ۳۸۹) با این حال، تحت هر عنوانی که باشد، نمی‌توان منکر وجود این عرصه در حقوق و حقوق بین‌الملل شد و تأثیرات آن حتی بر حقوق سخت را نادیده گرفت. (Boyle, A., "Some reflections on the relationship of treaties and soft law", in Gowlland Debbasov, *Multilateral Treaty Making*, Martinus Nijhof publishers, The Hague, 2000, 25). لذا از جایی که این نوع از حقوق مطلوب، قوام‌نیافته و غیرالزام‌آور به حقوق نرم مصطلح گشته، در این پژوهش نیز از همین واژه در این معنا استفاده شده است.

^{۲۱}- شهرام زرنتشان، جایگاه توصیه‌های FATF در میان سلسله مراتب حقوق بین‌الملل، سایت آکادمی بیگدلی، ۲۵ شهریور ۱۴۰۰. قابل دسترس در: <https://bigdeliacademy.com/1400/06/25/hierarchy-of-norms-in-international-law-and-fatf-drshahramzarneshan/>

۱- جایگاه استانداردهای FATF به عنوان حقوق نرم در همکاری‌های بین‌المللی

این بخش جایگاه استانداردهای FATF را به لحاظ حقوق و روابط بین‌الملل مد نظر قرار خواهد داد. بدین منظور ابتدا لازم است که طی مبحث نخست، FATF به عنوان یک نهاد بین‌المللی مورد تدقیق قرار گیرد. در این مبحث تعریف نهاد و نهادگرایی ارائه خواهد شد که به خوبی مبین ویژگی‌های FATF به عنوان یک نهاد بین‌المللی موثر در زمینه مقابله با پولشویی، تامین مالی تروریسم و مواردی از این دست است. سپس مبحث دوم به تبیین ماهیت استانداردهای FATF می‌پردازد. این مبحث نشان خواهد داد که این استانداردها به لحاظ حقوقی چه ویژگی‌هایی دارند و این ویژگی‌ها چگونه می‌تواند همکاری‌های حقوقی بین‌المللی در عالم روابط بین‌الملل را پیرامون ماموریت‌های FATF ایجاد و تداوم بخشد.

۱-۱- حقوق نرم در رویکرد نهادگرایی

رویکرد نهادگرایی مدعی آن است که به رغم وجود آنارشی^{۲۲} حاکم بر روابط بین‌الملل، می‌توان به ایجاد شرایطی پایدار برای اتخاذ تصمیمات سودمند متقابل دست یافت و این هدف به وسیله هدایت و چارچوب‌مندی رفتار بازیگران از طریق همکاری واصل می‌شود.^{۲۳} از این منظر، نهاد مجموعه‌ای از قواعد بازی یا استانداردهای رفتاری است که در خدمت روابط اجتماعی، تعیین نقش شرکت‌کنندگان در این روابط و تعاملات میان آن‌ها قرار دارد.^{۲۴} همچنین نهاد مجموعه‌ای از قواعد، الزامات رویه‌ساز و هنجارهای اخلاقی رفتاری تعریف شده که با محدود کردن رفتار بازیگران، به حداکثر رساندن منافع اصلی را دنبال می‌کند.^{۲۵} برخی از نویسندگان نیز نهادها را مترادف رژیم‌ها در نظر گرفته و بر این باور هستند که آن‌ها اصول، هنجارها و رویه‌های تصمیم‌ساز هستند که انتظارات بازیگران را در حوزه موضوعی معین شکل می‌دهند.^{۲۶} بنابراین به رغم انتقاداتی که به رویکرد

²² - Anarchy

²³ - Duncan Snidal, "Political Economy and International Institutions", *INTL REV. L. & ECON*, ۱۶, 127 (1996). [https://doi.org/10.1016/0144-8188\(95\)00051-8](https://doi.org/10.1016/0144-8188(95)00051-8)

²⁴ - Oran Young, *International Governance: Protecting The Environment in a Stateless Society*, (New York, cornell University Press, 1994), 3.

²⁵ - Douglass North, *Structure and Change in Economic History*, (New York, Norton, 1981), 201-2.

²⁶ - Stephen Krasner, "Structural Causes and Regime Consequences: Regimes as Intervening Variables", *International Organization*, 36, (1982) 185. DOI: <https://doi.org/10.1017/S0020818300018920>

البته عده‌ای دیگر میان رژیم و نهاد تفاوت قائل شده‌اند. از نظر دسته اخیر نهادها اعم از رژیم‌ها بوده و به نهادینه ساختن قسمت‌های مختلف زیست بین‌المللی با ضابطه‌مند نمودن توقعات و انتظارات می‌پردازند، حال آن که رژیم‌های بین‌المللی مانند موازنه قوا چندان به حقوق و قواعد دارای صراحت اتکا ندارند. رژیم‌ها هرچند مسهل همکاری هستند اما همکاری ممکن است در فقدان رژیم‌ها نیز صورت پذیرد و از سوی دیگر رژیم هر چند تسهیل‌کننده نظم و ثبات هستند اما لزوماً ناظم نبوده و گاه به ثبات ختم نمی‌شوند.^۱ هادی دادمهر، اعتبارسازی در روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل، (تهران، مجد، ۱۳۹۴)، ۴۱. حال آن که در رابطه با نهادها اصولاً حسب این تعاریف، تردید وجود دارد که آیا آنچه منجر به همکاری نشود، نهاد است؟ فی‌المثل اگر اتحادیه آفریقا یا سازمان همکاری کشورهای اسلامی حسب اوضاع و احوال و شرایط بخصوص خود قادر نباشند در راستای اهداف و کارکردهایشان به تنظیم رفتارها و تقویم توقعات بپردازند، آیا می‌توانند به عنوان نهاد شناخته شوند؟ با این حال رژیم‌ها به عنوان نوعی از نهادها شایسته توجه هستند.

نهادگرایی بابت همین تشدد آراء و ابهامات در تعریف نهادها وجود دارد،^{۲۷} می‌توان گفت نهاد مجموعه قواعد پایدار و به هم پیوسته‌ایست که به طور رسمی یا غیررسمی تجویزکننده رفتارها، تنظیم‌کننده فعالیت‌ها و شکل‌دهنده انتظارات است.^{۲۸}

مطابق با تعاریف فوق، اصول^{۲۹} که در بالاترین سطح رژیم‌ها قرار دارند، شامل اهداف کلی هستند که بر پایه واقعیات شکل گرفته و به دنبال تبیین قواعد و رفتارهای هنجاری می‌باشند. اما هنجارها^{۳۰}، خود بر مبنای اصول، کلی‌ترین دستورالعمل‌ها را صادر می‌کنند و از طریق درک مشترک از چالش‌ها، همکاری در یک فضای غیرالزام‌آور را ترغیب می‌نمایند. در گام بعدی از قواعد^{۳۱} صحبت می‌شود که هر دو دسته قواعد الزام‌آور و غیرالزام‌آور را شامل می‌شود و در مقایسه با اصول و هنجارها، عینیت بالاتری دارند. آنچه در این باره مهم جلوه می‌کند، حقوق نرم است که به عنوان نقطه شروع قواعد، نزدیک‌ترین حوزه میان هنجارها با قواعد هستند.^{۳۲} ویژگی نهادها از جمله استقلال آنان و توجه ویژه نهادگرایی به بازیگران غیردولتی در روند نهادسازی و تصریح نهادگرایی به این که نهادها شامل حقوق نرم می‌گردد، مقدمه‌ای برای توجه به مفهوم حقوق نرم در حقوق بین‌الملل است.^{۳۳} به این ترتیب، نهادگرایی در ایجاد و تداوم همکاری‌های بین‌المللی به نقش مهم و موثر حقوق نرم به عنوان حقوق مطلوب یا حقوق قوام‌نا یافته بسیار تاکید دارد. در واقع، برای نهادگرایی بیش از سخت و الزام‌آور بودن حقوق، اجرای آن بر اساس نهادینه‌سازی همکاری‌های بین‌المللی اهمیت دارد. این همان هدفی است که کشورهای در عالم حقوق بین‌الملل از برقراری حقوق نرم دنبال می‌کنند.^{۳۴}

توافق‌نامه پاریس پیرامون تغییرات اقلیمی^{۳۵} یک مصداق قابل توجه برای تقریب به ذهن است. این از آن منظر قابل توجه است که مفاد توافق‌نامه پاریس را حقوقی مطلوب و نه لزوماً الزام‌آور تشکیل داده است.^{۳۶} چرا که تعهدات مندرج در این توافق از انعطاف زیادی برخوردار است و کشورها می‌توانند بر اساس ماده ۳ توافق‌نامه^{۳۷} میزان تعهدات و مشارکت خود در کاهش کربن را راسا تعیین نمایند. به طوری که به زعم برخی، مطابق با توافق‌نامه پاریس، اصل تعهد به کاهش یک تعهد حقوقی است اما میزانش یک عمل ایقایی است.^{۳۸} به این ترتیب وقتی از رژیم‌ها یا نهادهای زیست محیطی بین‌المللی سخن به میان می‌آید، «عناصری چون معاهدات رسمی، حقوق نرم غیرالزام‌آور، هنجارها و عرف‌های بین‌المللی، سازمان‌ها، کارگزاری‌ها و نهادهای بین‌المللی مطرح است که بر اساس اصول و اهداف مشترک و مبتنی بر درک مشترک در حوزه‌های موضوعی خاص سیاست

27- Arthur Stein, *Why Nations Cooperate: Circumstance and Choice in International Relations*, (New York, Cornell University Press, 1990), 25-27.

28- Robert O. Keohane, "International Institutions: Two Approaches", *INT'L STUD*, 32, 379, 386 (1988).

<https://doi.org/10.2307/2600589>

29- principle

30- norm

31- rule

32- Little, R., *International Regimes* In Baylis, J. Smith. S. Owens P, (The Globalization of World Politics, Oxford, Oxford university press), 293.

33- Barbara Koremenos, "Institutionalism and international law", *SSRN*, (2011) 2 & 3. https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1919309

۳۴- ابراهیم بیگ‌زاده، حقوق بین‌الملل، جلد نخست، (تهران، انتشارات میزان، چاپ نخست، ۱۴۰۱)، ۳۹۵.

35- Paris Agreement on [climate change](#) (2016)

36- Jan Klabbers, *Transforming institutions: autonomous international organisations in institutional theory*, *Cambridge International Law Journal*, Vol. 6 No. 2, (2017) 105.

37 Available at: https://unfccc.int/sites/default/files/resource/parisagreement_publication.pdf

۳۸- برگرفته از سخنرانی دکتر محسن عبداللهی، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، در نشست پژوهشگاه قوه قضاییه با عنوان "چالش تغییرات اقلیمی در پرتو احیای حقوق عامه و گسترش عدل" در تاریخ روز یکشنبه ۲۲ مرداد ۱۴۰۲

زیست‌محیطی شکل گرفته و قواعدی برای رفتار زیست‌محیطی را در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی تعیین می‌کند.^{۳۹} لذا نهاد مجموعه معیارهای رفتاری است که بر اساس حقوق و تعهدات تعریف می‌شود.^{۴۰}

۱-۲- استانداردهای FATF به مثابه حقوق نرم

به طور سنتی، کارکرد و فعالیت‌های FATF را به این شرح می‌توان خلاصه کرد: اول، گزارش روند پیشرفت کشورها در اجرای استانداردهای مقرر؛ دوم، بررسی طرق جدید پولشویی و تامین مالی تروریسم و روزرسانی نحوه مقابله با آن؛ و سوم، پیشبرد همکاری جهانی به منظور اجرای استانداردهای مذکور.^{۴۱} این استانداردها توصیه‌هایی هستند که از یک سو، جایگاهی مشابه قطعنامه‌های توصیه‌ای مجمع عمومی سازمان ملل متحد داشته و به مثابه حقوق نرم در شکلگیری قواعد حقوق بین‌الملل متمرثر هستند.^{۴۲} قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد معروف به اعلامیه مربوط به اعطای استقلال به سرزمین‌ها و مردمان تحت استعمار^{۴۳} در سال ۱۹۶۰، مصدق‌ای از تاثیر چنین توصیه‌هایی در عرصه حقوق بین‌الملل پیرامون حق استعمارزدایی است که تجلی آن را می‌توان در رای مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد جدایی چاگوس از مجمع‌الجزایر موریس که با تکیه بر این قطعنامه صادر شده است، به وضوح مشاهده نمود.^{۴۴} این از آن‌جا بیشتر با طبع نهادگرایی قرابت پیدا می‌کند که اساسا در عالم حقوق بین‌الملل، این قبیل توصیه‌ها مبتنی بر همکاری اعمال و اجرا می‌شوند.^{۴۵} لذا چنین حقوقی اگرچه ماهیتا الزام‌آور نیستند اما تاثیر بسزایی داشته و از اهمیت قابل توجهی برخوردارند.^{۴۶}

از سوی دیگر، با نگاهی به چالش‌های موجود پیش روی ادغام تعهدات بین‌المللی در نظام‌های حقوق داخلی،^{۴۷} استانداردهای FATF اهداف نظام بین‌المللی حقوق بشر و روند جهانی شدن را تامین می‌کند. حقوق بشر مجموعه هنجارهایی است که سابق بر FATF وجود داشته^{۴۸} و مبارزه با تروریسم در راستای صیانت از این حقوق قرار دارد. باید توجه داشت که حمایت از حقوق بشر از مهم‌ترین معیارهای مشروعیت یک نظام حقوقی است.^{۴۹} لذا می‌توان گفت ارزش FATF به میزان حمایت آن از حقوق

^{۳۹}- محمدعلی توانا، عقیل محمدی و حمید وحدتی، «امکان ساخت رژیم‌های زیست‌محیطی بین‌المللی بر اساس رویکرد نهادگرایی نولیبرال»، پژوهش سیاست نظری، ۳۱، ۱۷(۱۴۰۱)، ۳۳.

^{۴۰}- John J. Mearsheimer, "The False Promise of International Institutions", 19 INT'L SEC. 5, 8 (Winter 1994/1995)

^{۴۱}- حمید قنبری، «راهکارهای مبارزه با تامین مالی تروریسم در حقوق بین‌الملل»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، تهران، ۱۳۸۶، ۵۸.

^{۴۲} بیگزاده، پیشین، ۴۰۰.

^{۴۳} UN General Assembly Resolution 1514, adopted on December 14, 1960, proclaims the right to self-determination and calls for the end of colonialism in all its forms

^{۴۴} ICJ Reports, 2019, p. 9.

^{۴۵}- هدایت‌الله فلسفی، سیر عقل در منظومه حقوق بین‌الملل، (تهران، فرهنگ نشر نو، چاپ دوم، ۱۳۹۹)، ۳۸۵.

^{۴۶}- David Gindis & Eva Micheler, Institutional theory for corporate law: an invitation, Journal of Corporate Law Studies, 24, (2024) 34.

^{۴۷}- Barbara Koremenos and Mi Hwa Hong, The Rational Design of Human Rights Agreements, Presented at the Annual Meeting and Exhibition of the American Political Science Association, Washington, D.C., September 2-5, 2010, p. 14.

^{۴۸}- زرنشان، پیشین.

^{۴۹}- حسین شریفی طرازکوهی و صلاح‌الدین فاطمی‌نژاد، «سازمان تجارت جهانی و حقوق بشر»، مجله مطالعات حقوق دانشگاه شیراز، ۴ (۱۳۹۵).

بشر و مقابله با چالش‌های جهانی در این خصوص بوده و همکاری کشورها نیز در آن راستا تلقی می‌شود. این روشی است تا توصیه‌ها بر اساس محتوایشان از وزانت بیشتری برخوردار گشته و در عین این که به شکل حقوق نرم یا توصیه عرضه شده‌اند، گامی بلند برای پیشبرد اهداف آن نهاد بین‌المللی به حساب آیند.^{۵۰} همچنین عملگرایی و عدم تشریفات برای اجرای این استانداردها در عین نظارت‌های دوره‌ای و مرتب FATF، آن را از سایر سازکارهای بین‌المللی متمایز نموده است و نقش نهادها در همکاری‌های بین‌المللی را به وضوح نمایان نموده است.^{۵۱}

بنابراین هر چند استانداردهای FATF، ذاتا و جدای از سایر عوامل، جنبه توصیه و رهنمود دارند و الزام‌آور نیستند،^{۵۲} اما در عمل عدم رعایت آن‌ها موجبات آثار حائز اهمیتی است؛ چنان که ضمانت اجرای توصیه‌های FATF از سایر قواعد و مقررات حقوقی و حتی حقوق سخت استحقاک بیشتری دارد.^{۵۳} به طوری که اکنون نظر به جایگاه منحصر به فرد این نهاد در جامعه بین‌المللی، اکثر کشورها به رعایت این توصیه‌ها اهتمام داشته و سعی دارند ارتباط خود را با سیستم‌های غیرهمکار و پرخطر مطابق گزارشات FATF محدود یا قطع نمایند تا اعتماد جامعه جهانی را نسبت به خود از دست ندهند.^{۵۴} بر این اساس، می‌توان تمایزی برجسته میان استانداردهای FATF با سایر حقوق نرم مشاهده نمود.

در این راستا، استاندارد شماره ۱۹ FATF به این شرح مقرر شده است: «موسسات مالی باید ملزم شوند در روابط کاری و معامله با اشخاص حقیقی و حقوقی و موسسات مالی کشورهایی که توسط گروه ویژه مشخص شده‌اند، تدابیر مربوط به شناسایی کافی مشتریان را به نحو شدیدی اعمال کنند. تدابیر مذکور، باید موثر و متناسب با ریسک‌های موجود باشند. در صورت درخواست FATF، کشورها باید بتوانند اقدامات متقابل متناسبی را به اجرا گذارند. همچنین کشورها باید بتوانند جدا از هرگونه درخواست FATF اقدامات متقابل را به عمل آورند. این گونه اقدامات باید موثر و متناسب با ریسک‌های موجود باشند».^{۵۵} برای مثال FATF در آخرین گزارش دوره‌ای خود، ایران را در لیست سیاه قرار داد و مطابق این استاندارد خواستار اعمال اقدامات مقابله‌ای علیه کشورمان شد.^{۵۶} این در حالی است که برخی از کارشناسان معتقد هستند که قرار گرفتن ایران در این لیست، هزینه‌های تجارت را تا ۱۵ درصد افزایش می‌دهد و سالانه حدود ۲۰ میلیارد دلار به کشور خسارت وارد می‌کند.^{۵۷}

^{۵۰} - فلسفی، پیشین، ۳۸۶.

^{۵۱} - صادق بشیره، حق شرط‌های ایران بر کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم و جرایم سازمان‌یافته فراملی با تاکید بر مأموریت‌های قوه قضاییه، (تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، چاپ نخست، ۱۴۰۴)، ۴۸.

^{۵۲} - زر نشان، پیشین.

^{۵۳} - بشیره، پیشین، ۳۸۶.

^{۵۴} FATF, Interpretation of the FATF Policy on Observers criteria, Strategic Review of Observers, October 2025, available at: <https://www.fatf-gafi.org/en/the-fatf/who-we-are/fatf-policy-observers.html>

^{۵۵} FATF (2012-2025), International Standards on Combating Money Laundering and the Financing of Terrorism & Proliferation, Paris, France, available at: www.fatf-gafi.org/en/publications/Fatfrecommendations/Fatf-recommendations.html

^{۵۶} FATF, High-Risk Jurisdictions subject to a Call for Action, October 2025, available at: <https://www.fatf-gafi.org/en/publications/High-risk-and-other-monitored-jurisdictions/Call-for-action-october-2025.html>

^{۵۷} - حسین سلیمی، عضو هیئت نمایندگان اتاق ایران، در مصاحبه با خبرگزاری اتاق ایران آنلاین، ۲۹ دی ۱۴۰۳: <https://www.google.com/amp/s/otaghiranonline.ir/amp/67229>

۲- کارکرد استانداردهای FATF به عنوان حقوق نرم در همکاری‌های بین‌المللی

این بخش به کارکردی که استانداردهای FATF به عنوان حقوق نرم در همکاری‌های بین‌المللی دارند، پرداخته است. به منظور شرح این موضوع، ابتدا سازکار رویکرد نهادگرایی در ایجاد و تداوم همکاری‌های بین‌المللی تبیین گشته است تا مشخص شود که این همکاری‌ها چگونه بر پایه مفروضات رئالیستی موجودیت می‌یابند و نقش حقوق نرم در این فرایند چیست. سپس در قسمت دیگر، کارکرد رویکرد نهادگرایی به حقوق نرم در استانداردهای FATF مورد بحث قرار می‌گیرد تا تجلی انگاره‌های نهادگرایی در این نهاد بین‌المللی پیرامون حقوق نرم تبیین شود. به صورت کلی، این بخش در تلاش است کارکرد تئوری‌های نهادگرایی و پیاده‌سازی آن‌ها در عمل را با مطالعه استانداردهای FATF ارزیابی نماید؛ استانداردهایی که بر اساس گزاره‌های نهادگرایی از حیث ایجاد، تداوم و تثبیت همکاری‌های بین‌المللی قابل تحلیل بوده و ماهیتا حقوق نرم به حساب می‌آیند.

۲-۱- سازکار نهادگرایی در ایجاد و تداوم همکاری‌های بین‌المللی با تاکید بر حقوق نرم

نهادگرایان بنیادهای نظری خود را بر مفروضات رئالیستی بنا نموده‌اند. آن‌ها معتقد هستند که اولاً بر روابط بین‌الملل آنارشی حاکم است. به این معنا که قدرتی مافوق دولت‌ها برای قانون‌گذاری و اجرای آن موجود نیست و ثانیاً دولت‌ها به عنوان بازیگران اصلی و عقلانی منطقی هر یک به دنبال منافع خود هستند.^{۵۸} سپس آن‌ها با استفاده از نظریه‌هایی چون خیر مشترک و یا نظریه بازی‌ها، امکان و نحوه برقراری همکاری میان دولت‌ها در شرایطی که هر یک به دنبال منافع خود هستند را شرح می‌دهند.^{۵۹}

برای مثال، نهادگرایان معتقد هستند که اگر یک بازار در خلا وجود نیروهای واضح و مجری قانون نسبت به رفتار فروشندگان وجود داشته باشد و منطقی هر یک از فروشندگان کسب درآمد بیشتر برای خود را دنبال نمایند، این نکته وجود دارد که نفع عمومی و خیر مشترک فروشندگان تنها در حالتی تامین خواهد شد که بر این بازار امنیت و نظم حاکم باشد.^{۶۰} در واقع، این همان کالا و خیر عمومی است که می‌بایست با همکاری تمامی بازیگران ایجاد شود.^{۶۱} در عین حال، یک بازیگر هنگامی که در

⁵⁸ - Barbara Koremenos, *ibid*, 4

⁵⁹ Robert O. Keohane, *After Hegemony...*, *ibid*, 10.

^{۶۰} البته معادلات گاه از این دشوارتر است و بازیگران نمی‌توانند چنین خیر مشترکی تصور کنند بلکه ممکن است آن‌ها کاملاً در حالت تعارض منافع باشند. در این صورت، نهادگرایی در تلاش است با استمساک به نظریه بازی‌ها به تبیین رویکرد خود بپردازد. مطابق این نظریه وقتی بازدهی کل ثابت باشد، سود هر بازیگر به معنای ضرر دیگری است که به آن حالت «بازی با حاصل جمع صفر» می‌گویند. مثل جنگ سرد که پیشرفت بلوک غرب مطلقاً به معنای متضرر شدن بلوک شرق بود. اما حالت «بهترین ضرر» و «بدترین سود» هم وجود دارد که نقطه عطفی است برای رسیدن به «بازی با حاصل جمع متغیر» که مبتنی بر همکاری بازیگران است. این حالت در واقع زمانی ایجاد می‌شود که یک طرف نسبت به خسران دیدن خود اقتناع شده و تلاش می‌کند که ضرر کمتری متحمل شود (جوزف فرانکل، نظریه معاصر روابط بین‌الملل، ترجمه وحید بزرگی، تهران، اطلاعات، چاپ دوم، ۱۳۷۶، ۱۲۸). برای مثال، در یک بازی قرار است دو راننده به طور مستقیم به یکدیگر برخورد نمایند. چنانچه یک راننده از خط خارج شود، به دلیل ترسیدن رسوا خواهد شد. اگر هر دو به حرکت مستقیم خود ادامه دهند، با یکدیگر برخورد نموده و ممکن است از بین بروند. حالت بهتر و منطقی‌تر که متضمن کمترین خسران برای هر دو طرف باشد، این است که هر دو کنار بکشند تا نه به ترسو بودن متهم شوند و نه با برخورد به یکدیگر صدمه ببینند (Barbara Koremenos, *ibid*, 4).

⁶¹ - William J. Aceves, "Institutionalist Theory and International Legal Scholarship", *American university international law review*, 12, (1997) 237.

تولید این کالای عمومی همکاری داشته، متعاقبا انتظار دارد که از منافع آن نیز بهره‌مند گردد. در چنین حالتی بازیگری که به دنبال منافع فردی خود می‌خواهد خلاف چنین مصلحتی اقدام کند، باید متحمل هزینه‌هایی شود.^{۶۲}

به این ترتیب، کارکرد نهادگرایی این است که پس از ایجاد همکاری و شکلگیری انتظارات بازیگران، با افزایش هزینه‌های عدم همکاری، تثبیت و تداوم همکاری را بر اساس منافع دولت‌ها تا برقراری نهادهای بین‌المللی دنبال نماید.^{۶۳} تعریف دوپویی^{۶۴} از حقوق بین‌الملل تجلی بارز این رویکرد در دیدگاه اندیشمندان حقوق بین‌الملل است: «نظام بین‌المللی عمدتاً مبتنی بر روابطی منظم، برنامه‌ریزی شده و قابل پیش‌بینی میان مجموعه‌ای از نهادها و هنجارهای حقوقی است که به توزیع ارزش‌ها یا منافع یا تحقق اراده مخاطبان ذی‌ربط می‌پردازد.»^{۶۵}

این همان وضعیتی است که ما در مورد گروه ویژه اقدام مالی یا FATF شاهد آن هستیم. چنان که بیان شد این گروه به پشتوانه اقتصادی اعضای گروه هفت تشکیل شد که سهم بزرگی از اقتصاد جهانی را در دست داشتند. بنابراین FATF به زودی توانست همکاری سایر کشورها در اموری که لااقل ظاهراً سازنده و به مصلحت عمومی جامعه جهانی بود را جلب نماید. به این ترتیب، FATF با گره زدن منافع اقتصادی کشورها به تبعیت از استانداردهای وضع شده و همچنین با همراهی افکار عمومی برای مقابله با معضلات جهانی چون پولشویی و تامین مالی تروریسم، توانست ضمن ایجاد همکاری حول این محورها و سپس با تثبیت این همکاری، خود و استانداردهایش را به عنوان یک نهاد بین‌المللی ذی‌صلاح در این امور مطرح ساخته و ماموریت خود را تداوم یا حتی توسعه دهد.^{۶۶} FATF حتی موفق شد از حمایت‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد استانداردهایش برخوردار شود؛ به طوری که شورای امنیت در بند ۷ قطعنامه ۱۶۱۷ در سال ۲۰۰۵ صراحتاً بیان می‌دارد که اعضا می‌بایست تمامی استانداردهای FATF را به محل اجرا گذارند.^{۶۷} به این ترتیب، شورای امنیت به استانداردهای FATF اعتبار بخشیده و آن‌ها را به تعهدات سازمانی مبدل کرده^{۶۸} که حتی ممکن است از الزام و ضمانت اجراهای حقوقی خاص نیز برخوردار شوند.

همه این‌ها در حالی است که استانداردهای FATF به عنوان قواعد سخت و الزام‌آور در عرصه حقوق بین‌الملل مطرح نبوده و از ضمانت اجراهای حقوقی چنان که تخلف از آن‌ها واجد مسئولیت بین‌المللی باشد، برخوردار نیستند. بر این اساس، می‌توان گفت

⁶²- Elinor Ostrom, *Governing the Commons: The Evolution of Institutions for Collective Action*, (Cambridge, Cambridge University press, first edition, 1990), 6.

از جمله ویژگی‌های این خیر مشترک آن است که عرضه اشتراکی دارد. به این معنا که استفاده از آن غیرقابل انحصار است و استفاده بیشتر یک بازیگر دسترسی سایر بازیگران را کاهش نمی‌دهد.

⁶³- William J. Aceves, *ibid*, 243

⁶⁴- Dupuy

^{۶۵}- عسگر جلالیان و حسن علیزاده، «رژیم‌های امنیتی بین‌المللی از منظر نهادگرایی در رهیافت حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل»، *آفاق امنیت*، ۱۴، ۵۰ (۱۴۰۰) ۲۲۲.

⁶⁶ FATF Mandates, Approved by the Ministers and Representatives of the Financial Action Task Force, 12 April 2019 Washington, DC, available at: <https://www.fatf-gafi.org/content/dam/fatf-gafi/images/brochures-other/FATF-Ministerial-Declaration-Mandate.pdf>.coredownload.pdf

⁶⁷- See UN, S/RES/۱۶۱۷(۲۰۰۵). <https://main.un.org/securitycouncil/en/s/res/1617-%282005%29>

^{۶۸}- غلام‌نبی فیضی‌چکاب و سوده آهنگری، گروه ویژه اقدام مالی - FATF، (تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۹۸)، ۲۳۴.

استانداردهای FATF بیشتر توصیه‌هایی هستند که ماهیتاً جنبه حقوق نرم دارند.^{۶۹} اما در عمل، نقض آن‌ها آثاری حتی فراتر از حقوق سخت به دنبال دارد که موجب تمایز این استانداردها با سایر حقوق نرم است. در واقع، هر چند FATF صرفاً یک نهاد بین‌المللی ناظر است که کشورها را بر اساس همکاری بر مبنای استانداردهای خود طبقه‌بندی می‌کند^{۷۰} اما همین اقدام می‌تواند تبعات مهمی را به ضرر کشورهایی که به عنوان غیرهمکار اعلام می‌شوند، بخصوص از منظر اقتصادی و یا از لحاظ حقوقی یا مواجهه با افکار عمومی به همراه داشته باشد.^{۷۱} به عبارت دیگر، استانداردهای FATF معیار و ملاکی برای ارزیابی و سنجش میزان سلامت نظام مالی و بانکی یک کشور است^{۷۲} و این بدان معناست که اگر کشوری استانداردهای FATF را مد نظر خود قرار ندهد، با اقدامات احتیاطی و مقابله‌ای مواجه شده و عملاً رفته‌رفته مورد تحریم غیررسمی سایر کشورها قرار می‌گیرد.^{۷۳} این موضوعی است که در رویکرد نهادگرایی تحت عنوان «قواعد حقوقی در عمل»^{۷۴} مورد مطالعه قرار می‌گیرد و نشان می‌دهد که حقوق، اعم از سخت و نرم، چگونه در یک روند اجتماعی اجرا شده و نهادهای حقوقی را می‌سازد.^{۷۵}

^{۶۹} - زر نشان، پیشین.

^{۷۰} - FATF, Methodologies for assessing technical compliance with the FATF recommendations and the effectiveness of AML/CFT Systems, (Feb. ۲۰۱۳), ۱۲.

^{۷۱} - علیرضا دبیر، صادق بشیره و ساوالان محمدزاده، «شرط کلی ایران بر کنوانسیون مقابله با تامین مالی تروریسم (CFT) از منظر حقوق بین‌الملل»، مجله حقوقی دادگستری، ۸۷، ۱۲۲، ۱۴۰۲ (۱۴۰۲).

^{۷۲} - حسن عالی‌پور، «اهمیت روابط با گروه ویژه اقدام مالی در پسابرجام»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۷۲، ۱۳۹۵ (۱۳۹۵).

^{۷۳} امیر فامیل زوار جلالی، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از تامین مالی تروریسم، (تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۵)، ۱۵۱.

^{۷۴} - rules-in-use

^{۷۵} - Daniel H. Cole, Laws, Norms, and the Institutional Analysis and Development framework, *Journal of Institutional Economics*, 13: 4, (2017) 830.

۲-۲- کاربست رویکرد نهادگرایی به حقوق نرم در استانداردهای FATF

به صورت کلی، نهادگرایان منابع سنتی حقوق بین‌الملل که در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری ذکر شده را می‌پذیرند.^{۷۶} آن‌ها اگرچه بر معاهدات به دلیل وضوح افزون‌تر در جهت تشکیل نهادهای بین‌المللی تاکید بیشتری دارند.^{۷۷} اما نسبت به عرف بین‌المللی و هنجارهای اعلام‌شده از سوی سازمان‌ها و تصمیمات محاکم قضایی بین‌المللی نیز نظر مساعدی داشته و اساساً هر آنچه به تنظیم رفتار بازیگران منجر شود را می‌پذیرند.^{۷۸} چنان که دیوان بین‌المللی دادگستری در مرحله صلاحیتی قضیه معبد، تصریح می‌کند که در حقوق بین‌الملل شکل تعهدات برای تحمیل قواعد حقوقی به تابعان حقوق بین‌الملل اهمیتی ندارد.^{۷۹} نهادگرایان متاخر البته همواره ناظر بر تحولات حقوق بین‌الملل، بر بازیگران غیردولتی و به تبع حقوق نرم تاکید و توجه بیشتری دارند. این مسیری است که نهادگرایان با توسل به آن حتی می‌توانند اقدامات غیرانتفاعی دولت‌ها به عنوان بازیگرانی منفعت‌طلب را هدایت نمایند.^{۸۰}

چنان که بیان شد، FATF کشورها را بر اساس همکاری آن‌ها و میزان اعمال و اجرای استانداردهای خود، دسته‌بندی می‌کند. در قمر این دسته‌بندی، کشورهای انطباق‌ناپذیر یا غیرقابل همکاری قرار دارند که به کشورهای لیست سیاه موسوم هستند. به این معنا که این کشورها به علت ویژگی‌های ساختاری خود، اساساً نمی‌توانند توصیه‌های مذکور را اعمال نمایند و نتیجتاً باید علیه آن‌ها اقدامات مقابله‌ای بخصوص و سخت لحاظ شود.^{۸۱} آنچه که در این رتبه‌بندی برای FATF ملاک و معیار است را می‌توان در چهار محور بیان داشت که عبارت‌اند از: «۱- وجود خلاهای قانونی از قبیل در مورد شناسایی مشتری، ثبت معاملات، گزارش فعالیت‌ها و معاملات مشکوک، نگهداری سوابق مربوط به معاملات و مشتریان؛ ۲- احراز موانع قانونی بخصوص پیرامون شناسایی سهامداران و مدیران یک شرکت، تاسیس و ثبت شرکت‌های بازرگانی؛ ۳- بررسی موانع برای همکاری‌های بین‌المللی از جمله همکاری بین مسئولان اجرایی و قضایی کشورها در مورد ردیابی و شناسایی سود حاصل از جرم و شناسایی و تعقیب مجرمان؛ ۴- فقدان منابع کافی در اجزای خصوصی و عمومی از جمله منابع انسانی و مالی و تجهیزات فنی جهت مقابله با جرائم مذکور».^{۸۲}

بنابراین چنان که ملاحظه می‌شود، FATF با ارزیابی کشورها بر اساس استانداردهایی که ماهیتاً در دسته حقوق نرم قرار می‌گیرند، کشورها را به همکاری داوطلبانه جهت نیل به منافع فردی و جمعی حاصل از این همکاری ترغیب می‌نماید که در آن الزام و ضمانت اجرای شدیدی به لحاظ حقوقی وجود ندارد. FATF در این راستا کاملاً مطابق با الگوی نهادگرایی عمل نموده

^{۷۶} - «ماده ۳۸-۱- دیوان بین‌المللی دادگستری که مأموریت دارد اختلافاتی که به آن رجوع می‌شود را طبق حقوق بین‌الملل حل و فصل نماید، موازین زیر را اجرا خواهد کرد:

الف- عهدنامه‌های بین‌المللی اعم از عمومی و خصوصی که به موجب آن قواعدی معین شده است که طرفین اختلاف آن قواعد را به رسمیت شناخته‌اند؛

ب- عرف بین‌المللی به عنوان رویه‌ای کلی که به صورت قانون پذیرفته شده است؛

ج- اصول کلی حقوقی که مقبول ملل متقدم باشد؛

د- با رعایت حکم ماده ۵۹ تصمیمات قضایی و عقاید برجسته‌ترین مبلغان ملل مختلف به منزله وسائل فرعی برای تعیین قواعد حقوقی.

۲- مقررات این ماده به حقی که دیوان دادگستری بین‌المللی دارد و به موجب آن می‌تواند در صورت تقاضای طرفین درباره آن‌ها طبق قانون بر اساس انصاف حکم دهد، خلی وارد نمی‌آورد.»

^{۷۷} - william J. Aceves, ibid, 240

^{۷۸} - جلالیان، پیشین، ۲۱۶.

^{۷۹} ICJ Reports, 1961, p. 31

^{۸۰} kenneth W. Abbott, ibid, 4.

^{۸۱} - FATF, Methodologies for ..., ibid, ۱۲.

^{۸۲} - عباسی، پیشین، ۱۶۵.

و بکارگیری حقوق نرم را در دستور کار خود قرار داده است تا پس از جلب همکاری تعداد زیادی از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، این استانداردها روند جامعه‌پذیری را طی نموده و علاوه بر پشتوانه اقتصادی، از حمایت‌های حقوقی و اعتبارسازی به منظور جلب افکار عمومی نیز برخوردار شود. باید توجه داشت که حقوق نرم اگرچه غیرالزام‌آورند و ظاهراً از ضمانت اجرایی حقوقی برخوردار نیستند، با تنظیم یک چارچوب هنجاری برای رفتار دولت‌ها، انتظارات آن‌ها از یکدیگر را شکل داده^{۸۳} و نقض آن‌ها نه تنها عامل بی‌اعتمادی در روابطشان می‌شود بلکه ممکن است واکنش افکار عمومی و یا مقابله به مثل طرف دیگر را به همراه داشته باشد. بنابراین مبنای رعایت حقوق نرم بیشتر منافع دولتهاست که حتی در اجرای سایر قواعد حقوق بین‌الملل نیز بیشتر منافع خود را لحاظ می‌کنند تا واهمه از ضمانت اجراها^{۸۴}.

نظر به روند رو به رشد فعالیت‌ها و ماموریت‌های FATF و ایضا توسعه همکاری‌ها با کشورها و سایر نهادها و سازمان‌های بین‌المللی، اکنون برای کشورهایی که قصد دارند در نظام حقوقی و اقتصادی بین‌الملل ایفای نقش مفید و موثر داشته باشند و از منافع بازار مشترک جهانی بهره‌مند بگردند، فقدان همکاری با FATF یک مشکل اساسی بوده و می‌تواند روندهای اقتصادی را دچار اختلال نماید.^{۸۵} هر چند ممکن است هر نوعی از حقوق نرم در پرتو اصل حسن نیت و در اجرای اصل عدم تناقض‌گویی (استاپل)، آثار حقوقی الزام‌آوری را نیز به همراه داشته باشد^{۸۶}. امروزه حتی برخی از قطعنامه‌های فصل هفتمی شورای امنیت سازمان ملل متحد از بعضی استانداردهای FATF حمایت می‌کنند. ردیف «ت» بند ۳ قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت^{۸۷} تصریح می‌نماید که کلیه کشورها باید فوراً به معاهدات و پروتکل‌های مربوط به مبارزه با تروریسم ملحق شوند و با توجه به این که قطعنامه هر عمل تروریستی را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی می‌خواند، الحاق به کنوانسیون مبارزه با تامین مالی تروریسم^{۸۸} یا CFT و دیگر معاهدات مرتبط الزامی است. چرا که این قطعنامه طبق مواد ۲۵ و ۴۸ منشور سازمان ملل متحد^{۸۹} و بر اساس فصل هفتم آن تصویب شده و تکلیفی است که استتکاف از آن می‌تواند موجبات اعمال ضمانت اجرایی مقرر در منشور را فراهم آورد.^{۹۰} لذا اکنون با گذشت چند دهه از فعالیت FATF می‌توان ادعا کرد که استانداردهای FATF در برخی از حوزه‌ها مانند تامین مالی تروریسم، وارد دایره حقوق سخت و الزام‌آور شده است.

به این ترتیب، FATF در کنار سایر ابزارهای نهادی حقوق بین‌الملل مانند شورای امنیت سازمان ملل متحد، با حمایت از یک سیستم یکپارچه مالی بین‌المللی و تشویق کشورها به اتخاذ رویه‌های جهانی یکسان و معاضدت‌های قضایی، ایفاگر نقش مهمی

⁸³ - Valerijš Bodnieks, The New Institutionalism: A tool for analysing defence and security institutions, *Political science*, Riga Stradiņš University, 32, (2020) 84.

^{۸۴} - بیگزاده، پیشین، ۳۹۹.

^{۸۵} - بشیره، حق شرط‌های ایران بر کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم و جرایم سازمان یافته فراملی با تأکید بر ماموریت‌های قوه قضاییه، ۴۸.

^{۸۶} - بیگزاده، پیشین، همان، ۴۰۰.

⁸⁷ - See UN, S/RES/1373(2001), <https://digitallibrary.un.org/record/449020?v=pdf>

⁸⁸ - International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism (1999).

^{۸۹} - ماده ۲۵ منشور سازمان ملل متحد: «اعضای ملل متحد موافقت می‌نمایند که تصمیمات شورای امنیت را طبق این منشور قبول و اجرا نمایند.» ماده ۴۸ منشور سازمان ملل متحد: «۱- برای اجرای تصمیمات شورای امنیت جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی همه یا بعضی از اعضای ملل متحد به تشخیص شورای امنیت اقدامات لازم را معمول خواهند داشت. ۲- اعضای ملل متحد مستقیماً و به وسیله اقدامات خود در سازمان‌های بین‌المللی مربوط که عضو آن هستند، تصمیمات مذکور را اجرا خواهند کرد.»

^{۹۰} - فیضی‌چکاب، پیشین، ۲۲۸.

در مقابله با بحران‌های جهان بوده است.^{۹۱} این موید ادعای نهادگرایان است که اگرچه در بدو امر غرض از ایجاد همکاری حصول منافع دولتهاست اما طی یک بازی تکرارشونده نهادها از استقلال و ثباتی برخوردار خواهند شد که دولت‌ها را کنترل می‌نمایند.^{۹۲} آنچه مسلم است، دولت‌ها به رغم سودجو بودن تمایل ندارند به عنوان بازیگران ناقض این نظم شناخته شوند.^{۹۳}

^{۹۱} - امیر فامیل زوار جلالی، «دارایی‌های مجازی؛ یک بحران بین‌المللی»، مجموعه مقالات سمپوزیوم تاثیر علم و فناوری‌های نوین بر صلح و امنیت بین‌المللی، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، (۱۴۰۱) ۳۲. <https://unstudies.ir/iauns-forum>

^{۹۲} - دادمهر، پیشین، ۴۱.

^{۹۳} - محمود باقری، مکاتب فلسفی در حقوق بین‌الملل، (تهران، میزان، چاپ سوم، ۱۴۰۳)، ۲۷۴.

نتیجه

نهادگرایی از جمله رویکردهای نوین در نظریه‌های روابط بین‌الملل است که نحوه اجرای حقوق بین‌الملل توسط دولت‌ها را تجزیه و تحلیل نموده است. این رویکرد مطابق پیش‌فرض‌های رئالیستی شکل گرفته است؛ از جمله این که بر جهان آنارشی حاکم بوده و دولت‌ها به عنوان بازیگران عقلانی و اصلی روابط بین‌الملل، هر یک در چنین شرایطی منطقی سود و منفعت خود را دنبال می‌کنند. به عبارت دیگر، قدرتی مافوق دولت‌ها وجود ندارد که به رفتار آن‌ها نظم دهد و آن‌ها جهت بقا و پیشرفت، منافع و مطامع خود را دنبال می‌نمایند. نهادگرایی ضمن باور به این گزاره‌های رئالیستی، از نظریه‌های آرمان‌گرا چون کارکردگرایی که همگرایی و نوعی وحدت در روابط بین‌الملل را دنبال می‌کنند، حذر نموده و بر پایه مفروضات فوق، با استفاده از برخی تئوری‌ها چون نظریه بازی‌ها و یا نظریه خیر مشترک، اثبات می‌کند که حتی در شرایط پیش‌گفته نیز امکان ایجاد و تداوم همکاری وجود دارد.

به این ترتیب نهادگرایان شرایطی را توصیف می‌کنند که عملاً نفع دولت‌ها در همکاری با یکدیگر تامین می‌شود و یا لاقلاً آن‌ها از عدم همکاری نفعی نمی‌برند و به نوعی متضرر خواهند شد. در چنین وضعیتی آن‌ها قانع می‌شوند که باید در بهره‌برداری از یک منفعت با بازیگر دیگری مشارکت کنند. تکرار این وضعیت، به مرور رفتار دولت‌ها را تنظیم نموده و انتظارات متقابل را ایجاد می‌کند. این نقطه‌ای است که یک نهاد بین‌المللی متولد می‌شود و می‌توان بر اساس آن، رفتار بازیگران را ارزیابی و نظارت نمود. نکته این‌جاست که دولت‌ها برای نیل به این نفع مشترک، تن به همکاری‌ای داده‌اند که به مرور ایجاد گشته و در گذر زمان، چنان به ثبات رسیده است که اکنون هزینه عدم همکاری برای بازیگران افزایش یافته است. این عامل بازدارنده آن‌ها از پیگیری منافع صرفاً انفرادی است.

گروه ویژه اقدام مالی یا FATF مصداق بارز یک نهاد بین‌المللی و پیاده‌سازی این رویکرد است. FATF در همین فضای آنارشی و منفعت‌طلبی دولت‌ها، با ابتکار کشورهای صنعتی جهان برای مقابله با معضلات جهانی چون پولشویی، فساد، تامین مالی تروریسم و... به وجود آمده است. حال آن که بسیاری از بازیگران بین‌المللی از ارتکاب چنین جرائمی نفع می‌برند و این در حالی است که همکاری با FATF اساساً داوطلبانه بوده و اجباری از نوع تهدید و زور برای همکاری با آن وجود ندارد. اما با سرعتی باور نکردی، بیش از ۱۹۰ کشور با FATF همکاری نمودند و تعداد کشورهای عدم همکاری به انگشتان یک دست هم نمی‌رسد. این البته جدای از سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی همکار است که آن‌ها نیز عدد قابل توجهی هستند.

مسیری که FATF برای نیل به این توفیق طی نموده، مبتنی بر حقوق نرم است که در دایره منابع حقوق بین‌الملل، بسیار مورد تاکید و توجه نهادگرایان متاخر قرار گرفته است. این التفات خاص به حقوق نرم ناشی از طبع خاص روابط بین‌الملل در جهان امروز و ظهور و بروز بازیگران جدید غیردولتی و در عین حال مقاومت دولت‌ها در برابر پذیرش تعهدات سخت است. در واقع، حقوق نرم حقوق قوام‌نیافته‌ای است که مطلوب بوده و باید روندی داوطلبانه برای هماهنگ‌سازی دولت‌ها با آن طی شود. بنابراین حقوق نرم بیش از تبعیت‌نمودن، مبتنی بر همکاری و سازگار با ایده نهادگرایی است که در FATF تجلی پیدا کرده است. این حقوق الزام‌آور نبوده و چنان قواعد سخت حقوق بین‌الملل از ضمانت اجراهای حقوقی خاص - به طوری که واجد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها باشد - برخوردار نیست. استانداردهای چهل‌گانه‌ای که FATF برای مقابله با پولشویی و تامین مالی تروریسم مقرر کرده، ماهیتاً مطابق با این تعریف بوده و حقوق نرم به حساب می‌آیند. نظارت‌های FATF بر اجرای این

استانداردها نیز، چیزی جز ارزیابی‌های فنی دوره‌ای و اعلام وضعیت کشورها از حیث اهتمام به این استانداردها و میزان همکاری با FATF نیست. در واقع، نوع نظارت FATF نیز منطبق با ماهیت نرم این استانداردها است.

در ادامه، FATF از اعضای همکاری می‌خواهد در قبال کشورهای لیست سیاه اقدامات احتیاطی و مقابله‌ای را لحاظ نمایند. همین توصیه اما تبعات بسیاری را به همراه دارد. لذا امروزه این حقوق نرم که توسط FATF ترویج می‌شود، در عالم حقوق و روابط بین‌الملل جایگاه بخصوصی پیدا کرده و حتی به سمت حقوق سخت‌شدن در حال حرکت است. این روند ابتدا ناشی از پشتوانه اقتصادی FATF بود. در واقع ابتکار FATF از سوی کشورهایی مطرح شده بود که بیش از ۵۰ درصد اقتصاد جهانی را در دست داشتند و عدم همکاری با آن‌ها برای مقابله با پولشویی و تامین مالی تروریسم و مواردی از این دست، خسارت‌های مالی فراوانی را برای کشورها در پی داشت. لذا موج همکاری‌ها با FATF آغاز شد و به آن نهاد بین‌المللی اعتبار و جایگاه ویژه‌ای اعطا نمود. به طوری که عملاً عدم همکاری با FATF به یک وضعیت ویژه و خلاف نظم جهانی تبدیل شد که واکنش افکار عمومی را به همراه داشت.

این به خودی خود نوعی بهره‌مندی FATF از ضمانت اجراهای حقوق بین‌الملل است و ادعای حرکت FATF به سمت حقوق سخت را تایید می‌کند. در تداوم همین روند، شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز بر استانداردهای FATF مهر تایید زد و FATF از ضمانت اجراهای حقوقی بهره‌مند شد؛ به طوری که توصیه‌های غیرالزام‌آور FATF به تعهدات نهادی ذیل منشور سازمان ملل متحد مبدل گشت و مشمول ضمانت اجراهای خاص آن گردید. همه این‌ها در حالیست که اساساً به لحاظ ماهیتی برخی از استانداردها و توصیه‌های FATF در هسته سخت حقوق بین‌الملل قرار دارند و از چنین پشتوانه‌ای نیز برخوردارند. برای مثال، آن‌جا که استانداردهای FATF تعهدات حقوق بشری دولت‌ها را مقرر نموده، فی‌نفسه از حمایت‌های نظام حقوق بین‌الملل بشر نیز منتفع می‌شود. همچنین FATF الحاق به کنوانسیون‌هایی را در استانداردهای خود تقاضا می‌کند که توسط قطعنامه‌های فصل هفتمی چون قطعنامه‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۷ شورای امنیت سازمان ملل متحد بر آن‌ها تاکید شده است.

به این ترتیب، این پژوهش جایگاه و کارکرد حقوق نرم در رویکرد نهادگرایی که توسط FATF معمول واقع شده بود را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و نشان می‌دهد که حقوق نرم چگونه می‌تواند بر نظم حقوقی بین‌المللی تاثیرگذار باشد. ضمانت اجرای حقوق بین‌الملل از مباحث اساسی اندیشمندان حقوق بین‌الملل در موارد عدم اجرای آن است. مسئله اصلی در رویکرد نهادگرایی به حقوق نرم اما نحوه اجرای حقوق بین‌الملل است. نهادگرایی بیش از عدم اجرای حقوق بین‌الملل، بر اجرای آن تمرکز داشته و در این راستا از حقوق نرم به گونه‌ای که بیان شد، یاری می‌گیرد. نهادگرایان به خوبی دریافته‌اند که حتی حقوق سخت و دارای ضمانت اجرا نیز اگر مبتنی بر همکاری‌های ناشی از منافع دولت‌ها نباشد، توسط آن‌ها اجرا نمی‌شود. لذا بیش از الزام‌آوری و ضمانت اجرا، این همکاری‌های متفعاانه است که می‌تواند اجرای حقوق بین‌الملل را تضمین نماید و حتی چنان که ملاحظه شد، رفته‌رفته در عالم حقوق بین‌الملل ضمانت اجراهای خود را پیدا کند. حقوق نرم دریچه‌ای برای دستیابی به این همکاری‌هاست.

منابع فارسی کتاب

- باقری، محمود، مکاتب فلسفی در حقوق بین‌الملل، تهران، میزان، چاپ سوم، ۱۴۰۳.
- بیگزاده، ابراهیم، حقوق بین‌الملل، جلد نخست، تهران، انتشارات میزان، چاپ نخست، ۱۴۰۱.
- بشیره، صادق، حق شرط‌های ایران بر کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم و جرایم سازمان‌یافته فراملی با تأکید بر مأموریت‌های قوه قضائیه، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، چاپ نخست، ۱۴۰۴.
- جوزف فرانکل، نظریه معاصر روابط بین‌الملل، ترجمه وحید بزرگی، تهران، اطلاعات، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
- دادمهر، هادی، اعتبارسازی در روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل، تهران، مجد، ۱۳۹۴.
- فامیل زوار جلالی، امیر، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از تأمین مالی تروریسم، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۵.
- فلسفی، هدایت‌الله، سیر عقل در منظومه حقوق بین‌الملل، تهران، فرهنگ نشر نو، چاپ دوم، ۱۳۹۹.
- فیضی‌چکاب، غلام‌نبی و سوده آهنگری، گروه ویژه اقدام مالی - FATF، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۹۸.
- موسی‌زاده، رضا، سازمان‌های بین‌المللی، تهران، انتشارات میزان، چاپ نوزدهم، زمستان ۱۳۹۱.

مقالات

- توانا، محمدعلی عقیل محمدی و حمید وحدتی، «امکان ساخت رژیم‌های زیست‌محیطی بین‌المللی بر اساس رویکرد نهادگرایی نولیبرال»، پژوهش سیاست نظری، ۳۱، (1401)، 29-52.
- جلالیان، عسگر و حسن عزیزاده، «رژیم‌های امنیتی بین‌المللی از منظر نهادگرایی در هیافت حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل»، آفاق امنیت، ۱۴، ۵۰، (۱۴۰۰)، ۲۰۳-۲۳۰.
- دبیم، علیرضا، صادق بشیره و ساوالان محمدزاده، «شرط کلی ایران بر کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم (CFT) از منظر حقوق بین‌الملل»، مجله حقوقی دادگستری، ۸۷، ۱۲۲، (۱۴۰۲)، ۴۵-۶۶.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، «نظریه نهادگرایی نولیبرال و همکاری‌های بین‌المللی»، سیاست خارجی، ۱۲، (۱۳۷۷)، ۵۶۸-۵۸۸.
- زرنشان، شهرام، جایگاه توصیه‌های FATF در میان سلسله مراتب حقوق بین‌الملل، سایت آکادمی بیگدلی، ۲۵ شهریور ۱۴۰۰.
- شریفی طرازکوهی، حسین و صلاح‌الدین فاطمی‌نژاد، «سازمان تجارت جهانی و حقوق بشر»، مجله مطالعات حقوق دانشگاه شیراز، (۱۳۹۵)، ۱۰۳-۱۳۵.
- عالی‌پور، حسن، «اهمیت روابط با گروه ویژه اقدام مالی در پسابرجام»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۷۲، (۱۳۹۵)، ۱۶۴-۱۶۶.
- عباسی، اصغر، «معرفی گروه ضربت اقدام مالی علیه پولشویی»، پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی، ۲، (۱۳۸۶)، ۱۴۷-۱۷۰.
- فامیل زوار جلالی، امیر، «دارایی‌های مجازی: یک بحران بین‌المللی»، مجموعه مقالات سمپوزیوم تاثیر علم و فناوری‌های نوین بر صلح و امنیت بین‌المللی، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، (۱۴۰۱)، ۲۸-۳۳.

پایان نامه‌ها

- قنبری، حمید، «راهکارهای مبارزه با تامین مالی تروریسم در حقوق بین‌الملل»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، تهران، ۱۳۸۶.

English

Books

- Arthur Stein, *Why Nations Cooperate: Circumstance and Choice in International Relations*, New York, Cornell University Press, 1990.
- Boyle, A. "Some reflections on the relationship of treaties and soft law", in Gowlland Debbasov, *Multilateral Treaty Making*, Martinus Nijhoff publishers, The Hague, 2000.
- Douglass North, *Structure and Change in Economic History*, New York, Norton, 1981.
- Elinor Ostrom, *Governing the Commons: The Evolution of Institutions for Collective Action*, Cambridge, Cambridge University press, first edition, 1990.
- Little, R., *International Regimes* In Baylis, J. Smith. S. Owens. P, *The Globalization of World Politics*. Oxford, Oxford university press.
- Oran Young, *International Governance: Protecting The Environment in a Stateless Society*, New York, Cornell University Press, 1994.
- Robert O. Keohane, *After Hegemony: Cooperation and Discord in the World Political Economy*, Princeton, Princeton University Press, 1984.

Articles

- Barbara Koremenos, "Institutionalism and international law", SSRN, (2011).
- Barbara Koremenos and Mi Hwa Hong, *The Rational Design of Human Rights Agreements*, Presented at the Annual Meeting and Exhibition of the American Political Science Association, Washington, D.C., September 2-5, (2010).
- Duncan Snidal, "Political Economy and International Institutions", *INT'L REV. L. & ECON*, 11, (1996).
- David Gindis & Eva Micheler, *Institutional theory for corporate law: an invitation*, *Journal of Corporate Law Studies*, 24, (2024) 399-435.
- Daniel H. Cole, *Laws, Norms, and the Institutional Analysis and Development framework*, *Journal of Institutional Economics*, 13: 4, (2017) 829–847.
- Jan Klabbers, *Transforming institutions: autonomous international organisations in institutional theory*, *Cambridge International Law Journal*, Vol. 6 No. 2, (2017) 105–121.
- John J. Mearsheimer, "The False Promise of International Institutions", *19 INT'L SEC. 5*, (Winter 1994/1995).
- Kenneth W. Abbott, "Enriching rational choice institutionalism for the study of international law", *University of St. Gallen law school*, 2007, 1-40.
- Laurel S. Terry, "An Introduction to the Financial Action Task Force and Its 2008 Lawyer Guidance", *The Pennsylvania State University The Dickinson, School Of Law, Legal Studies Research Paper*, 39(2010), 3-67.
- Robert O. Keohane, "International Institutions: Two Approaches", *INT'L STUD*, 32, 379, (1988), 379–396.

- Stephen Krasner, “Structural Causes and Regime Consequences: Regimes as Intervening Variables”, *International Organization*, 36, (1982), 185 – 205.
- Valerijs Bodnieks, *The New Institutionalism: A tool for analysing defence and security institutions*, *Political science*, Riga Stradiņš University, 32, (2020) 84-94.
- William J. Aceves, “Institutionalist Theory and International Legal Scholarship”, *American university international law review*, 12, (1997), 227-266.

Documents

- FATF Mandates, “Approved by the Ministers and Representatives of the Financial Action Task Force”, 12 April 2019 Washington, DC, available at: <https://www.fatf-gafi.org/content/dam/fatf-gafi/images/brochures-other/FATF-Ministerial-Declaration-Mandate.pdf.coredownload.pdf>
- FATF, Interpretation of the FATF Policy on Observers criteria, Strategic Review of Observers, October 2025, available at: <https://www.fatf-gafi.org/en/the-fatf/who-we-are/fatf-policy-observers.html>
- FATF (2012-2025), *International Standards on Combating Money Laundering and the Financing of Terrorism & Proliferation*, Paris, France, available at: www.fatf-gafi.org/en/publications/Fatfrecommendations/Fatf-recommendations.html
- FATF, High-Risk Jurisdictions subject to a Call for Action, October 2025, available at: <https://www.fatf-gafi.org/en/publications/High-risk-and-other-monitored-jurisdictions/Call-for-action-october-2025.html>
- FATF, Methodologies for assessing technical compliance with the FATF recommendations and the effectiveness of AML/CFT Systems, (Feb. 2013).
- ICJ Reports, *Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965*, Summary of the Advisory Opinion, 25 February 2019.
- ICJ Reports, *Case concerning the Temple of Preah Vihear (Cambodia v. Thailand)*, Preliminary Objections, 26 May 1961.
- UN General Assembly Resolution 1514, adopted on December 14, 1960, proclaims the right to self-determination and calls for the end of colonialism in all its forms.
- UN, S/RES/1373(2001)
- UN, S/RES/1611(2005)